

زیبایی حشمت رود در آستانه اشرفیه ، بهار امسال از دید مردم شهر پنهان مانده و مردان ماهیگیر طبق عادت هر سال به سراغش نیامده‌اند. این روزها در حاشیه این رودخانه نهال‌های زیتون تلخ کاشته‌اند و بر تن آنها عکس مردمانی آویخته شده که بایماری کرونا از دنیا رفته‌اند.

کرنا مردم را از تشییع و تدفین اعضای خانواده‌شان منع کرده و تسلی خاطر گفتن و همدردی دیگران هم از نزدیک مقدور نیست. تنها با یاد و خاطرات و عکس‌های عزیزانشان روزگار می‌گذرانند. اما حالا بازماندگان هر عکس را به نهال زیتون آویخته و منتظرند تا رشد کند و درخت پر بار و سبزی شود.

یادبودی زیر درختان زیتون



صبا طاهریان

شرح دعای ابو حمزه ثمالی در کتاب صوتی

را تاکید فرموده است. همچنین وسعت روزی و حج خانه خدا و محفوظ ماندن از شر شیطان و زمامداران و پاک شدن از صفات ناپسند و تنبلی و سرخورگی و غم و اندوه درخواست شده است. در این دعا گذشته از درس‌های خدانشناسی و معادشناسی و تاکید مقام نبوت و امامت جامع‌ترین خواسته‌های هر فرد مومن برای سعادت دنیوی و اخروی بیان شده است.

در بخشی از کتاب صوتی دعای ابو حمزه ثمالی می‌شنویم: «و سپاس خدای را که به غیر او امید نیندم که اگر جز به او امید می‌بستم ناامیدم می‌کرد و سپاس خدای را که مرا به خویش وانگذاشت. از این رو اکرامم کرد و به مردم وانگذاشت تا مرا خوار کنند و سپاس خدای را که با من دوستی ورزید، در حالی که از من بی‌نیاز است و سپاس خدایی را که بر من برادری می‌کند تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست! پروردگام ستوده‌ترین موجود نزد من بوده و به ستایش من سزاوارتر است.»

کتاب صوتی «ترجمه دعای ابو حمزه ثمالی» به روایت سید روح‌الله باغبان در یک ساعت و ۱۳ دقیقه، ۶۷ مگابایت با همکاری ناشر صوتی آوارسا در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

این آئین یَسْتَجِیْبُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَبْدًا لَوْلَیْ هَجَمْتُ دَاخِرِیْنِ؛ به سه نکته اشاره دارد. نکته اول اینکه دعا عبادت است. دوم اینکه ترک دعا استکبار است. سوم اینکه خداوند مستکبران را یعنی تارکان دعا را به دوزخ تهدید کرده است. کتاب صوتی «ترجمه دعای ابو حمزه ثمالی» با صدای سید روح‌الله باغبان به فارسی روایت می‌شود و حاوی دعایی است که ابو حمزه ثمالی از امام سجاده (ع) نقل کرده است.

دعای ابو حمزه ثمالی به مفاهیمی مثل تاریکی، تنهایی، سنگینی بار گناهان، دشواری‌های قبر و قیامت و لزوم اطاعت و پیروی از پیامبر اکرم (ص) و خاندان معصومش اشاره دارد. این دعا که با جمله «اَلْهٰی لَا تُؤْذِنِیْ بِقَفُوْتِکَ» شروع و به جمله «وَ رَیْبِیْ مِنْ اَلْعَیْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِیْ نَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ» ختم می‌شود. دربردارنده معانی بلند و الفاظ فصیح و تعابیر بدیع است و در سحرهای ماه رمضان خواننده و طولانی‌ترین دعای سحر است.

این دعا راه توبه و انابه و تضرع و پرهیزکاری را به تصویر کشیده و نعمت‌های بزرگ الهی را برشمرده و دشواری‌های قبر و قیامت و تاریکی و تنهایی و سنگینی بار گناهان را به یاد آورده و لزوم اطاعت و پیروی از پیامبر اکرم (ص) و خاندان معصومش را یادآوری می‌کند.

کتاب صوتی «ترجمه دعای ابو حمزه ثمالی» با صدای سید روح‌الله باغبان به فارسی روایت می‌شود و حاوی دعایی است که ابو حمزه ثمالی از امام سجاده (ع) نقل کرده است. به گزارش اینستا، گرچه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است ولی برای زمان مشخصی مانند ماه رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است. دعای ابو حمزه ثمالی مانند دیگر دعاها آثار تربیتی مهمی در روح انسان دارد و راهنمای انسان به قرب الهی است. می‌توان دعای ابو حمزه ثمالی را یک دایره‌المعارف از موضوعات گوناگون توحید، معاد، عالم برزخ، خوف و رجا، مسائل اخلاقی و اجتماعی دانست، به گونه‌ای که می‌توان گفت در این دعا هم موضوعات دینی و هم مسائل دنیایی آمده است و به سبب همین جامعیت برای همگان قابل استفاده است.

این دعای است که امام سجاده (ع) در تمام سحرهای ماه رمضان آن را می‌خواندند. شایسته است پیروان عترت طاهرین تأسی کنند و در سحرها بیدار باشند و این دعای نورانی را قرائت کنند. این دعا در جوامع روایی و حدیثی ما آمده است. دعا طبق بیان نورانی امام سجاده (ع) بهترین عبادت است و ذات اقدس خداوند در این آیه که فرمود: اذْعُوْنِیْ اَسْتَجِیْبْ لَکُمْ

بیدار باش هجدهم؛ قدر روشن این شب‌ها

چشم دل باز کن که جان بینی / آنچه نادیدنی است آن بینی
در فراز دوم نیایش امروز، از خداوند «نورانیت قلب» را خواسته‌ایم.
آری... قلب هم تیره می‌شود از «گناه»
تاریکی و بی‌فروغ می‌شود... از «غفلت»
سرد و ظلمانی می‌شود... از «نفس پرستی».
از دیگر سو، «روشن‌دلی»، موهبتی است بزرگ که اگر خدا لطف کند و دست نوازش بر سر بنده بکشد و بارقه‌ای از فروغ‌های جاودان و ابدی حیات و معنویت بر دلش بتابد، همه عمر زنده گردد، به حیات آدمیت!...

و عجیب دنیایی است دنیای «دل»، با ویژگی‌ها و اوصاف عجیب! دل آزرده، دلسوخته، دل‌آشفته، دل‌آگاه، دل‌بسته، دل‌افسرده، دل‌شکسته، دل‌شاد، دلخوش، دلخون، دل‌داده، دل‌مرده، دل‌تنگ، دل‌گرفته و...
همچنین تنگدل، سنگدل، تیره‌دل، روشن‌دل، پاکدل، بیمار دل، شوریده‌دل، سیاه‌دل، بیدار دل، خرم‌دل، و... [۲]
این ترکیبات ادبی، نشان‌دهنده دنیای شگفت و تودرتوی قلب انسان است. چه خوب که انسان توفیق یابد از تیره‌دلی به روشندی برسد و از لمردگی به زنده‌دلی و از بیمار دلی به بیدار دلی...

آری... نور قلب، با آگاهی است، با بصیرت و معرفت است، با یقین و ایمان است، با اطمینان و ذکر است.

«تن در خدمت» جان»
سومین خواسته امروز، آن است که تمام اعضا و جوارح در استخدام «برکات سحر» و فروغ رمضان ارشاد شوند، در صورتی میسر است که: «زبان» بر گفتن حق و یاد خدا و ترک زشتی‌ها بگردد، «گوش» راهی برای ورود حکمت، به خانه دل شود، «چشم»، به روی حرام و ناروا بسته باشد، «پا»، به سوی ناروا و گناه نرود، «دست» به ستم گشوده نگشته و به حرام دراز نشود، «اشک»، انبار حرام و کانون حرص نگردد، چه چیزی جز «تقوا» و پرهیزکاری می‌تواند رعایت این حقوق را در اعضا و اندام تضمین کند؟

هریک از اعضا بر ما حقی دارد و ما موظفیم به رعایت آنها، اگر لحظه‌ای دست و پا و چشم و گوش و زبان را به حال خود رها کنیم و زیوروشی از خداترسی و حفاظی از ایمان و نگهبانی از «خوف» قرار ندهیم، همین اندام و اعضا که می‌توانند عامل رشد و وسیله سعادت شوند، به ابزار تباهی و اسباب سقوط تبدیل می‌گردند و به قول معروف: به جای آنکه قاتق نان شوند، قاتل جان می‌شوند و به جای آنکه بسازند، می‌سوزند و به جای آباد کردن، ویران می‌کنند و به جای «عروج» دادن، به «هبوط» و «سقوط» می‌کشند.

رمضان یک راه رشد است و سحرها، یک چراغ راهنماست.
دعاها، عامل رشد و نمازها، وسیله قرب است. شب زنده‌داری‌ها، احیاگر جان است و «کف نفس»‌ها، عامل بالندگی اراده در جهت خدایی و دور شدن از اودای حیوانیت.
از خداوند بخواهیم بار دیگر و چندبار، که نسبت به برکت‌های سحرها، بیداری عطا کنند و از فروغ این ماه بر دل‌هایمان بتاباند و اعضای‌مان را در استخدام پیروی از آثار این برکت‌ها و فروغ‌های جاودانه به کار گیرد، از خدایی که نور است و روشنی بخش دل‌های عارفان است.
یارب دل پاک و جان آگاهم ده! آه شب و گریه سحرگاهم ده

در راه خود، اول زخودم بی‌خود کن / خود چوشدم، زخود به خود راهم ده

منابع:
[۱] ذاریات، آیه ۸.
[۲] در حدیث است: چشم بی‌اشک نشانه قساوت دل است و قساوت دل هم پیامد گناه است؛ ما حَقَّتِ الدُّمُوعُ اِلَیْقَسْوَةِ الْقُلُوبِ و ما قَسَّتِ الْقُلُوبُ اِلَّا لِکَثْرَةِ الذُّنُوبِ مِیْزَانِ الْحِکْمَةِ، ج ۵ ص ۳۳۹.
* برگرفته از کتاب «سینای نیاز: شرح دعاهای روزانه ماه مبارک رمضان» به قلم نویسنده

«جواد محدثی» بیدار باش هجدهم؛ قدر روشن این شب‌ها، فرازهای این دعا عبارت است از: ۱- در نگاه روشن شب زنده‌داران ۲- دلی ز بارقه» روشن ۳- «تن» در خدمت «جان»
اَللّٰهُمَّ تَبَهِّئْنِیْ فِیْهِ لِیَبْرُکَاتِ اَسْحَارِیْهِ وَ تُوْزِ فِیْهِ قَلْبِیْ ضِیَاءً اَنْوَارِیْهِ
وَ حُدِّ بِکَلِّ اَعْضَاۤئِیْ اِلَیْ اِتِّیَاعِ اَثَرِیْهِ بِوُجُوْکِیْ یَا مُنَوِّرُ قُلُوْبِ الْعَارِفِیْنَ.

در نگاه روشن شب زنده‌داران
اگر لذت ترک لذت بدانی / دگر لذت نفس، لذت نخوانی
هزاران در، از خلق، بر خود ببندی / گرت باز باشد در آسمانی
سفرهای علوی کند مرغ جانت / گر از چنبر آرز، باز نشی رهانی
چنان می‌روی، ساکن و خواب دلسر / که می‌ترسم از کاروان، بازمانی
نصیحت همین است جان برادر / که اوقات، ضایع مکن، تاتوانی
کاروانی از نور روان است، به سرعت برق می‌گذرد، به تابندگی خورشید، به سرشاری چشمه‌ساران، به برکت رمضان و فقط یک «لحظه» بیداری، کار عمری را می‌سازد و یک «آن» توجه برکت‌های سالیان را به همراه دارد.
آنچه لازم است، «توجه» است، و هشیاری!
«انتباه» است و بیداری و درک «لحظات الله»، گرفتن آن برق‌های معنوی و نفوذ دادن در رگ‌های جان است و عمل کردن به رهنمود قرآنی که: «وَالْاَسْحَارُ هُمْ یَسْتَعْفِفُوْنَ» [۱]

سحرهای رمضان، همه برکت است.
«برکت» یعنی خیر فراوان و نیکی جاودان، «برکت» ارزش‌های ماندگار است، آنکه خواب را در دیدگانش می‌شکند و چند مشت از آب بیداری به صورت می‌زند، خواب را از چشم خویش گرفته و بیداری را در آن می‌نشانند، آشنا با برکات سحرگاهی است.
آنکه کام را با یاد خدا شیرین می‌کند و دل را با ذکر حق آرامش می‌بخشد و صورت را در برابر پرتو معارف قرآن و معنویات رمضان می‌گیرد و دست و زبانش را خدایی می‌کند.

آنکه از بستر گرم و نرم خواب ناز برمی‌خیزد، و شب تار را با رزمه مناجات، با نوای نیایش، با فروغ دیدار، با روشنائی حضور روشن می‌کند. او به برکات سحر دست یافته است.
چنین سحرخیزی اراده‌اش تقویت می‌شود، از روزمیزی می‌رهد و عادت هر روزه را می‌شکند.
«برکات اسحار» چه می‌خواهی باشد؟!
اگر آن «تنبه» و هوشیاری را داشته باشی، سحرهای رمضان همه نور است و همه ضیاء و بنده مفتون جلوه الله است و سرگشته جذبات حق! مشتاق تو در کویت، از شوق تو سرگردان / از خلق خدا گذشته، خرسند به خلقان‌ها از سوز جگر ششمی، چون حلقه گوه‌رها / وز آتش دل گاهی، چون رشته مرجان‌ها

دلی ز «بارقه» روشن
بی‌شک رمضان ماه نور و روشنائی است. ماه تجلی بیشتر خداوند بر کائنات، ماهی است که «شب قدر» را در دامن دارد. شبی که بیدار دلان بیدار دیده طاعتی افزون‌تر و نیایشی عاشقانه‌تر دارند.
شب‌ی که بصیران آن را «زنده» نگه می‌دارند، با یاد خدا، با مناجات و دعا، با تلاوت قرآن، با نماز شب، با اشک، با خون، با سوختن، گداختن، رفتن، رسیدن و وصل!
در شب‌ها و سحرهای این ماه نورانی، لحظه‌ها تابندگی خاصی دارند، زبان‌ها عطر «ذکر» دارند و بوی «خدا» می‌دهند. دست‌ها بوی تسبیح دارند و استغفار و «مصحف».

باید دل را به روی این خورشید گرفت، باید دریچه‌ای از جهان نور به تاریکخانه قلب گشود، باید شوق پرواز داشت و فیض دیدار را آرزو کرد، باید قلب را از آلودگی‌های کبر، منیت، خودخواهی، هوی پرستی، هوس رانی، کینه‌توزی، غرور و ریا، پاک کرد، تا جلوه‌هایی از تواضع، خداجویی، اخلاص، عفو، عبودیت، خشیت و خشوع، خوف و رجا و خضوع، بر آن بتابد.